

۳- این روزها موضوع «مذاکره» مجدداً در رسانه‌ها مطرح شده است و برخی افراد معتقدند که تنها گزینه‌ای که برای حل مشکلات کشور و تأمین منافع ملی وجود دارد مذاکره است. در این باره اما چند نکته حائز اهمیت است:

اول: تعامل و مذاکره‌ی با کشورها، یکی از توصیه‌ها و اصول سیاست‌ خارجی همیشگی جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب، از دیرباز تاکنون بوده است. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که رهبر انقلاب در روز تنفیذ حکم ریاست‌ جمهوری آقای روحانی، یکی از سرفصل‌ های لازم در دولت دوازدهم را همین مسأله مطرح کردند: «[یکی از جهت‌ گیری‌ های لازم در دولت دوازدهم] تعامل گسترده‌ ی با دنیا است؛ این توصیه‌ ی همیشگی ما است که این درست نقطه‌ ی مقابل آن چیزی است که دشمنان ما و سلطه‌ گران عالم دنبالش هستند. ما می‌ توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده‌ ی داشته‌ بشویم، هم به ملت‌ ها و دولت‌ های دیگر کمک کنیم، هم از کمک آنها بهره‌ مند بشویم؛ حیات اجتماعی بشریت این جور پیش می‌ رود: همکاری، همدلی، همراهی، تعامل با دنیا؛ اقلیم ما، جغرافیای ما، امکانات فراوان ما، این را برای ما آسان می‌ کند.» ۹۶/۵/۱۲ (۳۰)

بین ملت‌هاست. اما «هسته‌ها اینجا است که منافع ملی را چه‌جوری تعریف کنیم، چه‌جوری شناسایی کنیم؛ چه چیزی را واقعاً منافع ملی بدانیم و چه چیزی را نه. نکته‌ی اساسی که مورد نظر بنده است و می‌خواهم عرض بکنم، این است که منافع ملی آن وقتی منافع ملی هستند که با هویت ملی ملت ایران، با هویت انقلابی ملت ایران در تعارض نباشند. آن وقتی منافع واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند، و الاً آنجایی که ما چیزی را به‌عنوان منافع ملی در نظر می‌گیریم لکن هویت ملی را پایمال می‌کنیم، قطعاً اشتباه کرده‌ایم، این منافع ملی نیست؛ این چیزی است که از دوران مشروطه تا قبل از انقلاب، متأسفانه سرنوشت همیشگی کشور ما بوده؛ هویت ملی را زیر پا لگدمال کردند. البته از قبل از دوران پهلوی، از اواخر دوران قاجار، این حالت پیش آمده. هویت ملی همیشه پامال چیزهایی شده است که به‌عنوان منافع ملت ایران به نظر مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان می‌رسیده و اجرا می‌کردند؛ این یعنی معکوس کردن نسبت. منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویت ملی تابع منافع ملی قرار بگیرد، که قهراً منافع تخیلی است.» ۹۶/۳۲/۲۲

۱- درست یا نادرست، در روابط بین الملل دو موضوع حرف اساسی را می زند: «قدرت» و «منافع ملی». قدرت «جایگاه» هر کشور را در دنیای امروز مشخص می کند. کشورها به میزان قدرتی که دارند، در جهان «اعتبار» و وزن پیدا می کنند. همین موضوع هم موجب می شود که دست بالاتر یا پایین تر را در دنیا داشته باشند. کشورهایی که قدرت کمتری دارند، معمولاً شکست خورده ی همیشه ی دنیای جنگ یا دیپلماسی هستند. مصر که زمانی ام القریای جهان اسلام بود و مهد روشنفکری، تنها به سبب آنکه در بستر زمان، قدرت خود را از دست داد، گرفتار بلهیه ی عقب ماندگی این روزها شده است. البته واضح است که منظور از قدرت، صرفاً قدرت نظامی یا حتی قدرت مادی نیست، این دو اگرچه مهم اند اما سایر عرصه های قدرت (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) نیز از اهمیت زیادی برخوردارند. همچنین موضوعی مانند «جذابیت گفتمانی» یا «عمق راهبردی» نیز از جمله مؤلفه های مهم قدرت در حوزه ی فرامادی محسوب می شوند که اتفاقاً از جهانی حتی مهم تر از قدرت مادی هستند. پس کشورها چاره ای ندارند برای آنکه سرنوشت شان محتوم به شکست نشود، همواره بر «مؤلفه های قدرت» خود بیفزایند.

رونیق تولید ۲ پول پاشیدن بی حساب و کتاب ما را به جای نمی رساند	پرسش و پاسخ ۴ چرا نسبت به پست های موروئی سکوت کرده اید؟	خاطرات رهبری ۴ آقا سید! جدت با ما است
--	---	---

با تکریم شهدا منتی بر آنان نداریم | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات کربلای ۲*

بزرگداشت شهیدان و تکریم نام‌آنان بزرگ‌مدان، بیش از خود آنان، ملتی را که این گوهرهای ناب را درون خود پرورانده است، سرافرازی می‌سازد. مایا این تکریم، منتی بر آنان نداریم؛ آنانند که با درخشش خود، ما را سرافراز و درخشان کردند و بر مامنت نهادند. ۹۲/۷/۴

* عملیات کربلای ۲ در سال ۱۳۶۵ در منطقه‌ی عملیاتی حاج عمران عراق با هدف ترمیم خط پدافندی، خارج کردن عقبه‌ی خودی از دید و تیر دشمن طرح ریزی شده بود. از ویژگی‌های این عملیات شهادت شهید محمود کاوه و حضور گردانی از اسرای داوطلب عراقی در این عملیات بوده است.



ما فهمانند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور، نباید زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل بیزاری جنسیت‌ها نباید ترسند. (۱۲)

تکلیف ما در آستانه‌ی شهر محرم الحرام چیست؟
تکلیف کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچو تحقیری
نشینده بودند، وصحبت‌هایی که در بین راه‌ور کوفه
و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد (ع)
و اعدا کار در میدان، تبلیغ در خارج میدان - آنها به

خاطرات رهبری

آقا سید! جدت با ما است

بعد از نماز ظهر یکی از روزها در راهروی زندان شسته بودم و به تنهایی ناهار می‌خوردم...
 ایگاهان مأموری مرا صدا زد و گفت: شما را در دفتر می‌خواهند. من عابیم را روی دوش نداختم و به دفتر افسر زندان رفتم. وقتی مرا دید، گفت: شما آزاد هستی؛ وسایل خود را جمع کن و برو بیرون. بادی لبریز از خوشحالی به سلول برگشتم. این خوشحالی با قدری تأسف هم توأم بود؛ تأسف از جدایی از برادرانی که در پی آن معاشرت دلپذیر شبانه‌روزی زندان، خیلی با آنها انیس گرفته بودم. در حال جمع‌وجور کردن وسایلم بودم که دیدم مأموری در داخل زندان با صدای بلند گفت: فحلائی آزاد شد. همه‌ی زندانیان از سلول هایشان بیرون ریختند و مرا در جمع آوری وسایل مانند پتو و غیره که برخی خویشان تهرانی به زندان ورده بودند و البته اندک هم بود به کمک کردند. مأمور، آن وسایل را برداشت و بیرون برد. بعد برادران عرب جمع شدند و به شیوه‌ی «عرب‌ها» «هوسه» کردند، و تکرار می‌کردند: «یا سید جدک و یا نا» ●

منبع: خون دلی که لعل شد

پرسش پاسخ

چرا نسبت به پست‌های

موروٹی سکوت کردہ اید؟

گر من به چیزهایی که این برادر یا خواهر عزیزمان روی این کاغذ نوشته‌اند، برخورد کنم، قطعاً سکوت نخواهم کرد. من جایی را که به‌ت موروثی وجود داشته باشد، سراغ ندارم. البته ممکن است کسانی با ارتباط و اتصال به کسی یا شخصیتی، تلاش‌هایی بکنند و کارهای اقتصادی‌ای انجام دهند - که البته با اینها باید طبق قانون برخورد شود - اما این که به‌ت موروثی در جامعه وجود داشته باشد که پدر بمیرد، پسر از او ارث ببرد، یا برادر بمیرد، برادر از او ارث ببرد، من حقیقتاً چنین چیزی را سراغ ندارم؛ والا اگر باشد، مطمئن باشید که من سکوت نخواهم کرد. ● ۷۹/۱۲/۲۲

نگذارید حضور زنان فعال در جبهه انقلاب کمرنگ شود

زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش آفرینی برجسته‌ای کردند -هم‌اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوایل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی- و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی می‌کنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده نکنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان آور و نویسنده و عالِم و دانشمند بر مراتب بیشتر دارد، خام‌هایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتنند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند. ۹۲/۲/۲۰

حزب الله این است



جوان های مؤمن در دانشگاه حرف برتر را می زنند

فعالان چپ آن روز در مواجهه‌ی با اینها می‌ماندند؛ این یک واقعیت بود. می‌دانید که آن روز تفکرات چپ و مارکسیستی به شکل ملایم‌ترش در محیط‌هایی مثل کشور ما به عنوان حرف‌های نو ترویج می‌شد. البته نوه‌م نبود، اما به عنوان حرف نو ترویج می‌شد. به دانشگاه‌های آمدند و ما تریالیسم، دیالکتیک و دیگر بحث‌های مارکسیستی را برای بچه‌ها شرح می‌دادند. بچه‌های مذهبی که ریشه‌ی فکرشان در پایه‌های قرآنی و تفسیری مستحکم شده بود، در دانشگاه‌ها مثل سدی در مقابل اینها بودند و مثل فولادی در دل حصار اینها نفوذ می‌کردند. ۸۴/۵۲۰

یک نفر می‌آید فکر و شبهه و پیشنهاد دیگری‌ای را در میان می‌گذارد؛ اگر بخواهیم درست انتخاب کنیم، باید بتوانیم آن را بشناسیم، بفهمیم، تجزیه و تحلیل کنیم و نقاط و بخش‌های غلط آن را کنار بزنیم؛ و اگر بخش درستی دارد، آن را بگیریم و با بخش‌های درست خودمان در هم بیاوریم، مخلوق خودمان را ارائه دهیم. اگر هم عنصر درستی ندارد، همه‌اش را توی زباله دانی بزنیم. قبل از انقلاب وقتی ما با جوان‌های مؤمن دانشجویان مواجه می‌شدیم، می‌دیدیم به حرکت روشنفکری نو و پیشرفته‌ی اسلامی، در محیط دانشگاه حرف برتر را اینها می‌زدند.



شرح حدیث

جوړی برنامه ریزی کن که
انگار تا آخر دنیا زنده ای

در یک روایتی می‌فرماید: «عمل لدنیاک کأنک تعيش ابدا»، یعنی برنامه‌ریزی دنیا را فقط برای چند روزی زندگی خودت نکن؛ برای پنجاه سال برنامه‌ریزی کن... نگوئیم ما که معلوم نیست پنجاه سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ریزی کنیم. نخیر، جوری برنامه‌ریزی کن که گوئی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود بخواهی برنامه‌ریزی کنی، با چه جدیت و دقتی می‌کنی، برای نسل‌های آینده هم که تو در آن وقت نیستی، همانجور برنامه‌ریزی کن؛ «عمل لدنیاک کأنک تعيش ابدا». نقطه‌ی مقابل هم: «واعمل لأخرتک کأنک تموت غدا»؛ (۱) برای آخرت هم جوری عمل کن، مثل اینکه فردا بناست از این دنیا بروی. یعنی هم برای دنیا سنگ بگذار، هم برای آخرت سنگ تمام بگذار. ● ۹۱/۷/۹۱

(١) من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ٣

(١) من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ٣

— هیئت تراز —

**برای يك بيت شعر تأثیر گذار
بهشت را وعده داده اند**

«من قال فیاشعراؤوبکی أوبکی وجب له الجنة» (۱) کسی
شعری درباری ما بگوید و چشمی را بگریزاند،
بهشت بر او واجب می شود - معنایش چیست؟
معنایش این است که بهشت را الزان کرده اند؟
بهشتی که این همه باید عبادت کرد تا به آن
رسید، آیا آن را این طور دم دستی کرده اند؟ یا نه،
آن کار، آن شعر گفتن و تسخیر دل بآن شعر و
انتقال یک مطلب در آن روز، آن قدر مهم بوده که
به خاطر آن اهمیت، جا داشته است که در مقابل
یک بیت شعری که این گونه تأثیر می گذارد،
بهشت را به او وعده دهند. هر وقت شعر شما این
اثر را داشته باشد، بدون بربرگرد، همان وعده ای
بهشت در مقابلش وجود دارد. این یک محاسبه ای
کاملاً منطقی و روشن است. ۸۰/۶/۱۸ (۱) ثواب
الأعمال وعقاب الأعمال، شیخ صدوق ص ۸۴

بلای بزرگ برای کشور

این یک بلای بزرگی است برای کشور؛ یک راه در آمد راحتی است که نفت را از چاه بکشیم بیرون و برویم به یک قیمتی بفروشیم؛ یک در آمد مفت و آسان! از اول -از دوران‌های قبل- به این شیوه عادت کرده‌ایم؛ این به ضرر مایم‌شده، واقعاً به ضرر مایم‌شده، کشورهایی هستند که یک قطره نفت هم در آنها تولید نمی‌شود، [اولی] گشتند، راه‌های دیگری را پیدا کردند، راه‌های بهتری را پیدا کردند، به نفعشان تمام شد. نفت اختیار شد دست ما نیست، دست تولید کننده‌ی نفت نیست، می‌بینید دیگر؛ نه فقط [هنگام] مسئله‌ی تحریم -حالا تحریم یک چیز عارضی است- [حتی] آن وقتی هم که تحریم نیست، نفت در اختیار مصرف‌کننده‌های گردن کلفت متعارف دنیا است؛ اختیار نفت دست آمریکا و اروپا و اتباع اینها است، قیمت‌گذاری دست آنها است، کارهای گوناگون دست آنها است، توطئه‌ها و حمله‌های آنها... بنابراین ما باید این رادر کشور حل کنیم. ● ۹۸/۵/۳۰

اگر فداکاری بزرگ

حسین بن علی نمی بود...

اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی علیه‌السلام نمی‌بود که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی متوجه و بیدار کرد در همان قرن اول یا نیمه‌ی قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلی بر چیده می‌شد. قطعاً این گونه است. اگر کسی اهل مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه‌ی اسلامی را در آن زمان برآشف و اسوه و الگویی برای بعدی‌ها شد، همین حادثه‌ی عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت. البته، بعد از آن، نظایر بسیاری پیدا کرد؛ اما هیچ کدام از آن نسخه‌ها، مطابق اصل نبود. امت اسلام، شهدای زیادی داد. شهدای دستجمعی داد. اما هیچ کدام به پای حادثه‌ی عاشورا نرسید. ● ۷۲/۳/۲۶

پول پاشیدن بی حساب و کتاب

ما را به جایی نمی‌رساند

خیلی از این مفاسد و آسیب‌های اجتماعی، در صورتی که اشتغال باشد، از بین خواهد رفت؛ خیلی از این مفاسد ناشی از بیکاری جوان‌ها است. اگر بخواهیم اشتغال به وجود بیاید، باید به مسئله‌ی تولید اهمیت بدهیم و تولید داخلی را با شیوه‌های درست، با سیاست‌های دقیق، پیش ببریم. پول پاشیدن بی حساب و کتاب ما را به جایی نمی‌رساند؛ باید حساب کنیم، دقیق عمل کنیم. الحمدلله مجموعه‌ی مسئولین در قوه‌ی مجریه دنبال این مسائل هستند، دارند دنبال می‌کنند ان شاءالله، ما هم کمکشان می‌کنیم هر چه بتوانیم؛ ان شاءالله به نتایجی برسند. ● ۹۶/۱۰/۱۹

۱۴) دوم: آنکه مذاکره زمانی منتج به تأمین

منافع ملی خواهد شد که مؤلفه‌های قدرت کشور در شرایط مناسبی قرار داشته باشد. «آن وقتی که جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فرهنگی، به آن اقتداری که ما در نظر گرفته‌ایم برسد، آنجا برود مذاکره کند؛ حرفی نیست. امروز چنین چیزی وجود ندارد؛ ما اگر چنانچه برویم مذاکره کنیم، قطعاً این مذاکره به ضرر ما تمام خواهد شد؛ مذاکره با یک طرف زورگوی این جوری، به ضرر ما تمام خواهد شد.» ۹۷/۵/۲۲

سوم: گرچه اروپایی‌ها در تعامل با ایران تا به امروز، صرفاً وعده‌های روی کاغذ داده و اقدام عملی انجام نداده‌اند، اما این به معنای قطع رابطه یا مذاکره‌ی با آنها نیست. «بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم که ارتباط با اروپا باید ادامه پیدا کند. البته اروپا یک شکل نیست، جاهای مختلفش مختلفند، در یک چیزهایی مشترکند، در یک چیزهایی نه، جور دیگرند، روش‌های مختلفی دارند. به هر حال با مجموعه‌ی اروپا -کشورهای اروپایی، نه جامعه‌ی اروپا- با کشورهای اروپایی بایستی ادامه‌ی ارتباط باشد اما قطع امید کنید از اینها... این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، به معنای قطع مذاکره نیست؛ به معنای این است که ما تصمیم خودمان را جور دیگری بگیریم.» ۹۷/۶/۱۷

و **چهارم** هم آنکه در این بین، دو استثناء وجود دارد: آمریکا و رژیم صهیونیستی. دلیل منع مذاکره با آمریکا نیز مبتنی بر تجربه‌هایی است که ملت ایران در طول این چهل سال (و مخصوصاً در سال‌های اخیر در ماجرای برجام) آن را کسب کرده است. اگر هدف از مذاکره تأمین منافع ملی کشور است، مذاکره با آمریکا به وضوح نشان داده که نه تنها در بردارنده‌ی منافع ملی نیست، بلکه مضرات فراوانی برای کشور دارد. و گر نه «آن روزی که رابطه‌ی با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم.» ۸۶/۱۰/۱۳ بنابراین «اینکه حالا باز بعضی زمزمه شروع کرده‌اند که «در حاشیه‌ی اجلاس مجمع عمومی، ممکن است مذاکره انجام بگیرد»، این به طور قطع منتفی است، یعنی معنی ندارد یک چنین چیزی. آنها که آن ظاهر سازها بودند، آن جوری عمل کردند با ما؛ اینها که آدم‌های وقیح مُتهتکِ پُرووی صریح شمشیر از رو بپندند؛ با اینها چه مذاکره‌ای؟ اصلاً معنی ندارد. حالا آقای رئیس‌جمهور که هیچ، وزیر خارجه و عناصر وزارت خارجه هم همین‌جور؛ هیچ معنی ندارد با اینها مذاکره کردن.» ۹۷/۶/۱۷ ●

سه موضوع اصلی مطالب نهج البلاغه اینهاست

امهات مسائل نهج البلاغه چند چیز است: ۱- اعتقادات. البته اعتقادات را علی بن ابیطالب به شیوه‌ی متکلمان قرن سوم و چهارم مطرح نکرده، بلکه همراه با یک بینش و ذوق معنوی و عرفانی معنا کرده؛ و لذا اگر انسان در باب توحید کلام علی را بشنود خواهد دید که از لحاظ کل قواره‌ی بیان و سخن، کلام علی متفاوت است... پس اول اندیشه و فکر اسلامی و افکار اسلامی مثل توحید، مثل انسان، مثل قیامت، مثل نبوت، مثل مسأله‌ی امامت و سایر مسائل اصولی اسلام. ۲- مسائل اجتماعی و سیاسی؛ که چه آنهایی که ناظر به سیاست کلی است، مثلاً چگونگی اداره‌ی کشور و روابط حاکم با زیردستان، با مردم؛ مثلاً نامه به مالک‌اشتر به مصر، بر خورد با دشمن؛ قاطعیت همراه با اجتناب از کینه‌توزی‌های بیجا؛ اما دقیقاً مرز دشمنی و دوستی را حراست کردن و دچار ساده‌لوحی و ساده‌اندیشی نشدن و مسائل فراوان دیگر اجتماعی، چه مربوط به آن زمان و چه مربوط به کل جامعه، به کل تاریخ. ۳- اخلاق. تربیت نفس، تهذیب و تزکیه‌ی انسان. این سه فصل بزرگ و کلی و سه عنوان اصولی از نهج البلاغه است.

۴) خود علی (ع) نهج البلاغه مجسم است

شما امروز می‌فهمید که ما به نهج البلاغه چقدر احتیاج داریم. نهج البلاغه در حقیقت شخصیت خطی و رسمی امیرالمؤمنین است؛ یعنی خود علی نهج البلاغه‌ی مجسم است و این یکی دیگر از خصوصیات امیر مؤمنان است که به آنچه می‌گوید عمل می‌کند و آنچه را می‌خواهد، در زندگی خود هم پیاده می‌کند. امیرالمؤمنین، شخصیت خودش و زندگی خودش کلمه کلمه و سطر به سطر تفسیر نهج البلاغه و تفسیر قرآن است؛ و لذا شما وقتی نهج البلاغه را بخوانید، هم تاریخ زندگی علی را دانسته‌اید، هم اسلام را شناخته‌اید.

مطالعه موضوعی همراه با شرح و تفصیل نهج البلاغه

بهتر است

چند شیوه کار [برای مطالعه‌ی نهج البلاغه] مطرح می‌شود، دم دست‌ترینش شیوه‌ی است که بنده در سال‌ها پیش هم این شیوه را داشتم و این راه را پیمودم. گزینش بخش‌های برجسته‌ای از کتاب شریف نهج البلاغه و شرح و تفصیل و بیان واف و کافی از آن. البته شیوه‌های دیگر هم برای بحث وجود دارد، از جمله این که یک خطبه را بگیریم اول تا آخر معنا کنیم و از جمله این که بحث را موضوعی کامل بکنیم. یعنی آن شیوه‌ای که من قبلاً اشاره کردم می‌تواند موضوعی باشد نه موضوعی کامل، نیمه موضوعی می‌تواند باشد که البته این کار سوم در صورتی که وقت و فرصتی وجود می‌داشت اولی تر بود و مفیدتر.

کتاب سیری در نهج البلاغه شهید مطهری کلید خوبی برای شروع است

ما اگر بخواهیم امروز انقلاب اسلامی را ادامه بدهیم - یعنی آنچه به معنای واقعی کلمه «انقلاب اسلامی» است- بایستی اسلام را همه‌جانبه مراعات کنیم که نمودارش نهج البلاغه است، و برگردیم به نهج البلاغه و بازبایی کنیم نهج البلاغه را... برادران و خواهران عزیز! کتاب سیری در نهج البلاغه، نوشته‌ی مرحوم شهید مطهری، می‌تواند کلید بسیار خوبی و مشکل‌گشایی برای ورود در بحث‌های نهج البلاغه باشد. البته کافی نیست؛ کلید مشکل‌گشایی است برای ورود در نهج البلاغه، اما به آن نباید اکتفا کنیم؛ نهج البلاغه را بایستی بخوانیم.

نهج البلاغه، آئین نامه انقلاب اسلامی است

نهج البلاغه یک کتابی است که حکایت می‌کند از چندبُعدی بودن اسلام و چندبُعدی بودن انسان و بالتّیجه، چندبُعدی بودن انقلاب اسلامی. خود نهج البلاغه هم که کتاب تدوین شده‌ی انقلاب اسلامی است و آئین‌نامه‌ی این انقلاب می‌توان به حسابش آورد، دارای همین خصوصیت است؛ یعنی در آن، میدان‌های وسیع زندگی انسان و بُعدها و جانب‌های گوناگون وجود انسان که همه در اسلام هست، منعکس است.

۷

چرا نیروهای مؤمن و انقلابی باید نهج البلاغه بخوانند

نهج البلاغه آئین نامه انقلاب اسلامی است

مطالعه‌ی کتاب شریف نهج البلاغه یکی از توصیه‌های همیشگی رهبر انقلاب به جوانان و دانشجویان بوده است که در سال‌های اخیر پررنگ‌تر هم شده است. البته این توصیه از حدود ۴۵ سال پیش که ایشان به عنوان امام جماعت مسجد در مشهد، یکی از کانون‌های نشر معارف دینی را در این شهر سامان می‌داد تاکنون یکی از چند توصیه‌ی اصلی ایشان بوده و در کنار جلسات تفسیر قرآن و شرح حدیث و جلسات دروس حوزوی، جلسات نهج البلاغه‌ی ایشان مورد توجه دوستان و علاقمندان بوده است.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روزهای اخیر، بخش‌هایی از جلسات شرح نهج البلاغه‌ی ایشان را در سه مجلد جداگانه عرضه کرده است. جلد اول که شامل بیانات ایشان در جلسات مساجد شهر مشهد در سال‌های ۵۲ و ۵۳ است با عنوان «مشور حکومت علوی» منتشر شده است. جلد دوم از این مجموعه نیز به بیانات ایشان در جلسات تابستانی شاخه‌ی دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال ۵۹ اختصاص یافته که در این جلسات آیت‌الله خامنه‌ای از ۱۱ تیر ۵۹ تا ۱۹ شهریور به موضوع «نبوت‌ها در نهج البلاغه» پرداخته اند. شرح بخش‌هایی از نهج البلاغه که در ابتدای دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در ۳۰ سال گذشته مطرح شده است نیز شامله‌ی جلد سوم از این مجموعه را با عنوان «راه روشن مدیران» تشکیل داده است. نشریه‌ی خط حزب‌الله ضمن معرفی این مجموعه‌ی سه جلدی، ۷ نکته‌ی مقدماتی که از نگاه رهبر انقلاب برای مطالعه‌ی نهج البلاغه ضروری و لازم است را از کتاب نبوت‌ها در نهج البلاغه منتشر می‌کند.

شباهت دوران جمهوری اسلامی به دوران حکومت علوی

همان‌طوری که می‌دانید امیرالمؤمنین در موضع یک معلم و اسلام‌شناس و نیز در موضع یک حاکم با مردم خود حرف می‌زد و سخنرانی می‌کرد، و این خطبه‌ها مجموعه‌ی آن سخنرانی‌هاست؛ ناگزیر این سخنان ضمن این که خطوط کلی اندیشه‌ی اسلامی را در خود منعکس می‌کند، ناظر به مسائل روز، مسائل جاری و مشکلات زندگی امیرالمؤمنین نیز هست. ما در زمان خودمان و در دور‌ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پدید آمده و جوه مشابهت زیادی میان وضعیت جامعه‌ی خود و وضعیت جامعه‌ی امیرالمؤمنین بدست بیاوریم... چون چنین است پس نهج البلاغه برای ما از دو نظر اهمیت پیدا می‌کند، اولاً از نظر طرح مسائل اصولی اسلام، طرح مسأله‌ی الله، طرح مسأله‌ی انسان و مشخص کردن دیدگاه‌های اسلام در باره‌ی انسان، طرح مسأله‌ی نبوت و موضع نبوت در تاریخ انسان و شأن نبی و رسالت نبی و از این قبیل مسائلی که در باب نبوت هست... [ثانیاً] نهج البلاغه اشاره می‌کند به مسائل اجتماعی در محیطی منافقانه و مشتبه؛ و چون ما در چنان محیطی امروز قرار داریم پس مسائل زندگی و مسائل سیاسی و مشکلات و دردها و احیاناً راه‌حل‌ها... می‌تواند از نهج البلاغه شناخته و الهام گرفته بشود.

تاریخ دارد به طرف علی (ع) پیش می‌رود

ما امروز بعد از هزار سال از تدوین نهج البلاغه بیشتر قدر نهج البلاغه را می‌دانیم تا یک عالم بزرگ در قرن چهارم هجری. یعنی بشریت به طور طبیعی به سمتی پیش رفته که سخن علی و پیام علی و آهنگ اسلام از حنجره‌ی علی برایش مغتنم‌تر هست تا قرن‌ها پیش، و این چیز بسیار مهمی است که شما ببینید آن زمانی که رضی این سخنان را جمع می‌کرد اولاً در جهان اسلام کم بودند کسانی که به علی بن ابیطالب و سخن او با آن چشمی نگاه کنند که امروز شما نگاه می‌کنید... ثانیاً آنهایی هم که بودند و به سخن علی می‌رسیدند و او را جمع می‌کردند، بیش از آنچه که به محتوا اهمیت بدهند... به لفظ و قالب هم آنچنان بهایی می‌دادند که اگر جایی قالب به آن زیبایی و شیوایی نبوده، آن را حاضر بودند قیچی کنند، بگذارند کنار و آن زیباتر هایش را جمع کنند. اگر شما بودید این کار را نمی‌کردید... سعی می‌کردید که از محتوای کلام علی بیشتر استفاده کنید... پس تاریخ دارد به طرف علی پیش می‌رود و این یک واقعیت است.